

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قرشی- کابل

۲۵ می ۲۰۲۱

"غنی احمدزی":

گور پدر مردم، مردم هر چیز می خواهند...!

دوشنبه- ۰۳ جوزای ۱۴۰۰ - کابل: در یادداشت امروز می گویم تا فشرده صحبت همکار قبلی ما را که اینک در "خانه های بالا" چکر می زند، خدمت شما خوانندگان گرانقدر تقدیم بدارم. همکار قبلی ما که نمی خواهد حین قصه مقامات بالا چنان استنباط شود که وی خود حاضر نبوده و یا از یک مطلب به مثابه دست چندم قصه می کند، در صحبتی که امروز با هم داشتیم و بعد از این که اندکی زیر زبانش را کلویدم، قصه کرد:

از چند روز بدین طرف در تضاد با وعده و وعید هائی که "عطا" نور و تعدادی از فاشیستان معروف سمت شمال به "غنی احمدزی" داده و می دهند و حتا یکی از آنها ادعا کرده که ظرف ۲۴ ساعت می تواند سر "دوستم" را به پیش پایش بگذارد، چند نفر دیگر من جمله "عبدالله عبدالمود، حامدکرزی، محمد محقق" جهت ختم غایله بین "دوستم" و "غنی احمدزی" و امکان ایجاد یک اجماع و جلوگیری از تقابل نیروهای دولتی با یک قوم خاص که فعلاً "دوستم" در عقب و یا پیشاپیش آنها ایستاده و سنگر گرفته، تلاش می ورزند تا "غنی احمدزی" را متقاعد سازند که "یکسره" کردن قضیه "دوستم" را به زمان دیگری بگذارد به خصوص فعلاً که مردم با کتله های ده هزار نفری خواست معینی را مطرح می نمایند، وی می تواند عقب نشینی خود را زیر نام احترام به خواست مردم تبلیغ نماید.

در جریان همین مباحث، گویا یک تن از میانجی ها، بدون آن که حالت روانی "غنی احمدزی" و بی باوری و عدم اعتقاد وی را به نقش مردم در اداره امور در نظر گیرد، از "غنی احمدزی" خواسته است "حالا که مردم نمی خواهند، دولت هم به همان خواسته تمکین کند، بالاخره دموکراسی یعنی حاکمیت مردم".

"غنی احمدزی" که تجربه نشان داده در مقابل منطق به زورگوئی و فحاشی پرداخته است، این جملات را تحمل نتوانسته با صدای بلند که دیگران هم بشنوند- منظور ناقل خودش می باشد-، به حالت انفجاری و عصبانیت تقریباً فریاد گونه گفته است: "گور پدر مردم، بر پدر مردم لعنت، مردم هر چیز می خواهند و می گویند، ک و..." "نه خدا به گفت مردم می کند و نه من". اگر خدا به گفت شان می کرد، می فهمم که همین حالا از خدا می خواستند، که در افغانستان آرامی شود، از خدا می خواستند که جنگ ختم شود، از خدا می خواستند که صلح شود، از خدا می خواستند که طالب را خدا به قهر خود نابود کند، از خدا می خواستند که مره سرچوک نماید و ...

"همچنان اگر من به گفت شان کنم از من می خواهند که جنگ را پایان بخشم، رشوت ستانی را از بین ببرم، کارمندان صالح و شایسته را به ادارات مقرر دارم. کدام اینها برایم مقدور است و یا هرگاه به این خواستها خدا و یا من جامعه عمل بپوشانیم، سرنوشت صد ها و هزاران نفری که اینک "صاحب یک لقمه نان" شده اند به کجا خواهد انجامید...."

هموطنان گرامی!

برداشت من از گفته های همکار قبلی ما- چند دشنام رکیک ناموسی و تباری از زبان "غنی احمدزی" را من حذف نموده ام- این است:

*- "غنی احمدزی" همان طوری که بار ها ثابت شده، هیچ نوع ارزشی به آراء و عقاید مردم قایل نیست،

*- معتقد است از آن جایی که مردم نه در آوردنش بر سریر قدرت نقش داشته اند و نه هم در مشروعیت دادن به حاکمیتش، از همین رو حق هم ندارند درکار و اداره اش نیز دخالت کنند و یا نظر دهند،

*- "غنی احمدزی" تصمیم دارد با تشدید تشنج و ایجاد درگیری های جدید، حکومت نظامی اعلام، ضمن انحلال "ولسی جرگه" حاکمیت فردی و باند خودش را به صورت مطلق و به وسیله نیروهای مسلح بر مردم بقبولاند، در این راه گویا پاکستان و طالب وعده هایی برایش نموده اند،

*- در عین حال تلاش دارد از طریق جنایتکاران و خائنانی از قماش "عطا" که اینک سنگ "تاجیک ها" را به سینه می زند و در صورت اعلام حکومت فدرالی از جانب "دوستم" سر خودش بی کلاه می ماند، جنگ قومی بین ازبیک ها و تاجیک ها را در صفحات شمال افغانستان ایجاد و دامن بزند تا بستر گسترش طالب مساعد بگردد.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزءلایتنجای مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!